

حرکت

شماره ۲۴ - ص ص : ۲۲ - ۵

تاریخ دریافت : ۸۳/۰۹/۰۸

تاریخ تصویب : ۸۳/۱۰/۱۲

افزایش کارایی با سیاست خصوصی سازی در ورزش

دکتر سید محمدحسین رضوی^۱
عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

چکیده

هدف از اجرای این تحقیق، مطالعه و بررسی آثار خصوصی سازی در افزایش کارایی اقتصاد ملی، بویژه در بخش خدمات عمومی، آثار و تبعات ویژه آن بر ورزش کشور در بخش قهرمانی است. نمونه آماری ۳۲۶ تن از مدیران سازمان تربیت بدنی، تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش و تربیت بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ۸ گروه از سطوح مختلف مدیریتی و همچنین در ۴ گروه مدیران باشگاه‌ها، مدیران آموزشی، اجرایی و ستادی در دوره ۱۰ ساله ۸۳-۱۳۷۳ در سطح کشور در نظر گرفته شدند. تحقیق از نوع پیمایشی و از طریق میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است. برای بررسی اهداف ویژه و آزمون فرضیه‌های تحقیق از پرسشنامه ۵۴ پرسشی در ۸ زمینه اصلی استفاده شد. روایی و پایایی پرسشنامه تحقیق با بهره‌گیری از روش‌های آماری و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد مورد بررسی و تایید قرار گرفت. مدیران در مجموع نسبت به اعمال سیاست خصوصی سازی (۳/۸۳ درصد) نظر موافق دارند و معتقدند اجرای سیاست مزبور با توسعه و تحول در ورزش و ارتقای کارایی همراه است و موجب اصلاح ساختار ورزش کشور خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

خصوصی سازی، کارایی، اقتصاد ملی، ساختار ورزش.

مقدمه

خصوصی سازی، بتازگی به سوی جبهه اول اندیشه اقتصادی و سیاسی و به عنوان راهکاری پذیرفتنی برای افزایش تولید و دستیابی به رشد اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته حرکت کرده است. در دهه ۸۰ تولید بخش خصوصی در سطح جهانی افزایش یافته است و در بسیاری از کشورهای توسعه یافته این افزایش به طور گسترده‌ای انعکاس رشد، ارایه خدمات بود (۱۲).

بسیاری از دولت‌ها نیز برای رهایی از بار سنگین این خدمات به اقدامات خصوصی سازی روی آورده‌اند. در خصوصی سازی تولید کالاها و ارایه خدمات از بخش دولتی به بخش خصوصی انتقال می‌یابد (۱۷). همچنین خصوصی سازی به جریان اصلی اقداماتی تبدیل شده که بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته با نرخ‌های رشد اقتصادی کمتر نسبت به کشورهای با اقتصاد بازار آزاد، مایلند آن را تجربه کنند (۱۸).

خصوصی سازی شرکت‌های دولتی نه تنها وسیله‌ای برای تغییر ساختار اقتصاد، نقش بیشتر واحدهای خصوصی و افزایش رقابت است، بلکه زیربنای ضروری برای توسعه اقتصادی به شمار می‌رود (۱۹). در سال ۱۹۸۳ وزیر خزانه‌داری دولت تاجر خصوصی سازی را راهبردی کلیدی اعلام کرد. آنها انتظار داشتند تا در فرایند خصوصی سازی، بین بخش خصوصی و دولتی توازن مطلوب برقرار گردد. تغییرات بنیانی در رفتار و عملکرد صنایع دولتی به وجود آید، منافع قابل توجهی برای مصرف‌کنندگان ایجاد گردد و کارایی و رقابت بیشتر شود. در هر حال تا زمانی که رقابت در عرصه کالاها کامل نشود و مقررات جدید وضع نگردد، دولت همچنان نظارت کامل بر تامین کیفی و کمی کالاها با قیمت مناسب را بر عهده خواهد داشت (۲۱).

صاحب‌نظران خصوصی سازی، هرکدام از ابعاد خاصی به تقسیم‌بندی اهداف خصوصی سازی پرداخته‌اند. برای نمونه، هنری گیبون^۱ اهداف خصوصی سازی را در موارد زیر بیان می‌دارد:

۱. افزایش کارایی از طریق رقابتی کردن هرچه بیشتر کالاها و خدمات به نفع مصرف‌کنندگان

۲. افزایش و گسترش مالکیت در بین جامعه
۳. دستیابی به بالاترین ارزش در مورد کالا یا خدماتی که دولت آن را می فروشد (۱۵).
- چاک دیویس^۱ اهداف خصوصی سازی را اینگونه برمی شمارد:
 ۱. کاهش اندازه دولت و کوچک تر شدن بخش عمومی
 ۲. ارایه درآمد های مالی برای بخش دولتی و رها شدن از فشار های مالی
 ۳. بهبود کارایی اقتصادی
 ۴. ارتقای برابری و عدالت و مساوات
 ۵. کاهش نفوذ سازمان های بخش دولتی (۱۳).

مسئله و موضوع تحقیق، بیانگر وضعیت و مشکلی است که محقق حسب حضور مدیریتی در بخش های مختلف ورزشی آن را احساس کرده و در صدد دستیابی به راه حل آن برآمده است که عبارتند از: تحلیل فرایندهای سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور بویژه در بخش ورزش قهرمانی. به عبارت روشن تر، با توجه به کثرت و پراکندگی جمعیت و ترکیب آن در کشور و نیازی که به فعالیت های تربیت بدنی و ورزش وجود دارد و نیز جمعیت جوان و علاقه مند و مشتاق به ورزش قهرمانی، توسعه در ورزش کشور متناسب با خواست و نیاز عمومی نبوده و نیست. آمارها در زمینه تامین منابع مالی و امکانات زیربنایی، با وجود افزایشی که طی سال های اخیر داشته، هماهنگ با شاخص های رشد در کشورهای توسعه یافته نیست، به نحوی که سرانه فضاهای ورزشی در وزارت آموزش و پرورش در وزارت علوم و تحقیقات و فناوری برای استفاده دانش آموزان و دانشجویان کشور که حدود نیمی از جمعیت کشور را زیر پوشش قرار می دهند، بسیار کم است. دانش آموزان شاغل به تحصیل در وزارت آموزش و پرورش در حدود ۱۷/۳۶۰/۰۶۳ نفر است و ۱۱۰۶ مکان ورزشی وجود دارد. سرانه فعلی فضاهای ورزشی در آموزش و پرورش در حدود ۸ درصد در یک مترمربع است. با در نظر گرفتن حداقل سرانه فضاهای ورزشی (۳ متر مربع) میزان فضای ورزشی مورد نیاز در حدود ۵/۰۶۲ هکتار است (۸).

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز با ۶۷۸/۶۵۲ دانشجو دارای ۲۱۳ مکان ورزشی است. باتوجه به جمعیت زیر پوشش و مساحت موجود اماکن ورزشی در سال ۱۳۸۰، کل مساحت ورزشی مورد نیاز برای تامین حداقل سرانه فضای ورزشی (۳ مترمربع) در حدود ۱۴۷/۸ هکتار است. علاوه بر نامتناسب بودن مقدار و فضا و امکانات با شاخص‌های رشد جمعیتی، میزان بهره‌وری آن نیز به دلیل اینکه بالغ بر ۷۵ درصد آن در نهادهای دولتی است، پایین می‌باشد (۸).

در بخش منابع مالی، مجموع اعتباری که به بخش ورزش در سال‌های برنامه سوم توسعه اختصاص یافته، ۳/۹۵۳/۱۸ میلیارد ریال بوده که سهم اعتبارات بخش ورزشی نسبت به کل بودجه دولت ۰/۰۵۱ است. حال اینکه میزان رشد جمعیت سالانه بالغ بر ۱/۵ درصد اعلام شده است (۷).

ملاحظه می‌شود میزان سرمایه‌گذاری دولت در بخش ورزشی، متناسب با رشد جمعیت جامعه و متقاضیان ورزش نیست و چنانچه همین روند در آینده ادامه یابد، میزان کمبودها بیشتر آشکار می‌شود. به نظر محقق، ایجاد تعادل و پاسخگویی به نیازمندی‌های اقشار جامعه به خدمات ورزشی، با میزان سرمایه‌گذاری دولتی در بودجه‌های سالانه میسر نبوده و راه حل منطقی و مفیدی که در بسیاری از کشورها تجربه شده، اجرای مکانیزم سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی و ترغیب و تشویق آنان در این زمینه بوده است که موجب شده بار مالی دستگاه‌ها کاهش یابد. از منابع و امکانات موجود بهره‌برداری کارآمدتری به عمل آید، کارایی فعالیت‌ها گسترش پیدا کند، تجهیز منابع مالی افزایش یابد، درآمدزایی دولت افزایش یافته و موجبات ارتقا و کارایی و رشد اقتصادی فراهم شود.

سهم ورزش در اقتصاد ملی، رابطه مستقیم با میزان سرمایه‌گذاری انجام شده در بخش ورزش دارد که در شرایط حاضر باتوجه به محدودیت‌ها و تنگناهایی که بخش خصوصی برای مشارکت در توسعه ورزش کشور دارد، در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بسیار پایین است. به ترتیبی که در کشورهای ایتالیا، انگلستان و آلمان نسبت اقتصاد ورزش به تولید ناخالص داخلی ۲ درصد، ۱/۷ درصد و ۱/۴ درصد است. حال اینکه این نسبت در کشور ایران ۳۸ صدم دریک درصد است (۷).

باتوجه به دلایل مذکور و تصریح قانون برنامه سوم توسعه، محقق در این تحقیق در جستجوی این مطلب بوده است که آیا دیدگاه مدیران بخش‌های مختلف ورزشی، پیرامون سیاست خصوصی سازی، موجبات افزایش کارایی را در ورزش کشور فراهم می‌کند یا خیر؟

روش تحقیق

در این تحقیق ابتدا از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل مطالعات استفاده شده است. روش انجام تحقیق توصیفی از نوع زمینه‌یابی پیمایشی است که اطلاعات آن به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش را ۳۲۶ نفر از مدیران بخش‌های مختلف ستادی و اجرایی سازمان تربیت بدنی، تربیت بدنی آموزش و پرورش، تربیت بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و باشگاه‌های ورزشی کشور تشکیل می‌دهند. در این تحقیق، نمونه آماری در بخش‌های ستادی، مدیران جامعه آماری است. براساس بررسی اولیه و تعداد نمونه با اطمینان ۹۵ درصد و با خطای ۱ امتیاز براساس فرمول مورگان ۳۱۰ نفر برآورد شده که با احتساب ۵ درصد ریزش تعداد ۳۲۶ نفر نمونه‌گیری شده است. در بخش‌های صنفی و علمي‌تای با توجه به عدم امکان دسترسی به همه شهرستان‌ها، برای نمونه‌برداری کاملاً تصادفی، از روش تصادفی خوشه‌ای یا ناحیه‌ای استفاده شد. بدان معنی که از بین ۲۸ استان کشور، ۱۵ استان انتخاب شدند که در مجموع ۱۲۹ نفر از ریسان تربیت بدنی را که در حدود ۴۰ درصد ض جامعه آماری را تشکیل داده‌اند، شامل شده است.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار تحقیق از پرسشنامه‌ای حاوی ۵۴ پرسش ۵ گزینه‌ای با مقیاس ۵ ارزشی لیکرت در ۸ محور فرایندی تهیه و تنظیم شده است. در طبقه‌بندی مزبور عدد ۵ بیانگر حداکثر اهمیت تاثیرگذاری و عدد ۱ بیانگر کمترین اهمیت تاثیرگذاری بوده است. ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید.

برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی برای طبقه‌بندی نمرات خام، طراحی جدول توزیع فراوانی و محاسبه شاخص‌های پراکندگی نظیر میانگین و انحراف معیار و واریانس و... استفاده

شده است. از آمار استنباطی برای بهره‌مندی از آزمون‌های پارامتریک و ناپارامتریک و برای تعیین توزیع طبیعی متغیرها از آزمون کالموگراف اسمیرونف استفاده شد. سپس از آزمون لون برای تعیین همگنی واریانس‌های بین متغیرها بهره‌برداری شده است. برای تعیین رابطه بین متغیرها از آزمون‌های پارامتریک نظیر کای دو، رگرسیون و حسب مورد از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و برای مقایسه و تعیین اختلاف نگرش مدیران از آزمون تی و یومن ویت‌نی استفاده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

۴۹/۱ درصد مدیران کارشناس ارشد و بالاتر، ۴۷/۲ درصد از میانگین سنی ۴۶-۵۰ سال، ۴۸/۵ درصد دارای ۲۱-۲۵ سال سابقه خدمت و ۴۵/۷ درصد از سابقه مدیریت ۱۱-۱۵ سال برخوردار بودند.

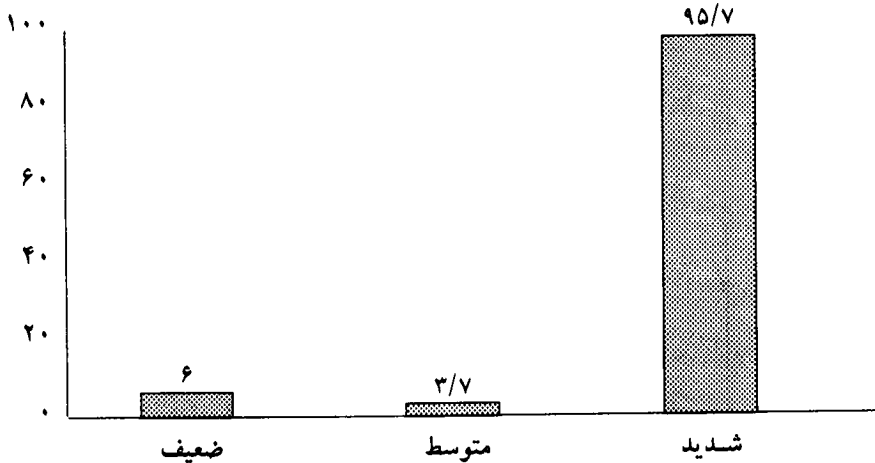
مدیران پیراساس سطوح مدیریتی در ۴ طبقه قرار گرفتند. مدیران ستادی ۲۳/۳ درصد، مدیران اجرایی ۴۸/۲ درصد، مدیران آموزشی ۱۸/۴ درصد و مدیران باشگاه‌ها ۱۰/۱ درصد مدیران جامعه آماری را تشکیل می‌دادند.

مدیران براساس رشته‌های شغلی در ۸ گروه، مدیران باشگاه‌های ورزشی ۱۰/۱ درصد، رییسان تربیت بدنی شهرستان‌ها ۳۹/۶ درصد، مدیران کل تربیت بدنی استان‌ها ۸/۶ درصد، مدیران تربیت بدنی آموزش و پرورش ۹/۸ درصد، مدیران آموزش عالی ۸/۹ درصد، رییسان فدراسیون‌ها ۹/۲ درصد، مدیران ستادی سازمان تربیت بدنی ۸/۶ درصد، رییسان و معاونان سازمان تربیت بدنی ۵/۵ درصد بودند.

در بررسی نظرهای مجموع مدیران پیرامون سیاست خصوصی سازی مشخص شد که آنها در مجموع با ۹۵/۷ درصد با این سیاست موافق‌اند و بدین صورت دیدگاه مثبتی در مورد اعمال سیاست خصوصی سازی در ورزش در هماهنگی با سیاست‌های برنامه ۵ ساله سوم و چهارم دولت مبنی بر واگذاری اماکن موجود به بخش خصوصی و اعمال سیاست‌های فرایندی خصوصی در ورزش ابراز کرده‌اند.

جدول ۱- نظرهای مدیران جامعه ورزشی در مورد خصوصی سازی در ورزش

تفسیر	تعداد	درصد	درصد تجمعی
ضعیف	۲	۶	۰/۶
متوسط	۱۲	۳/۷	۳/۴
شدید	۳۱۲	۹۵/۷	۱۰۰
جمع کل نفرات	۳۲۶	۱۰۰	-

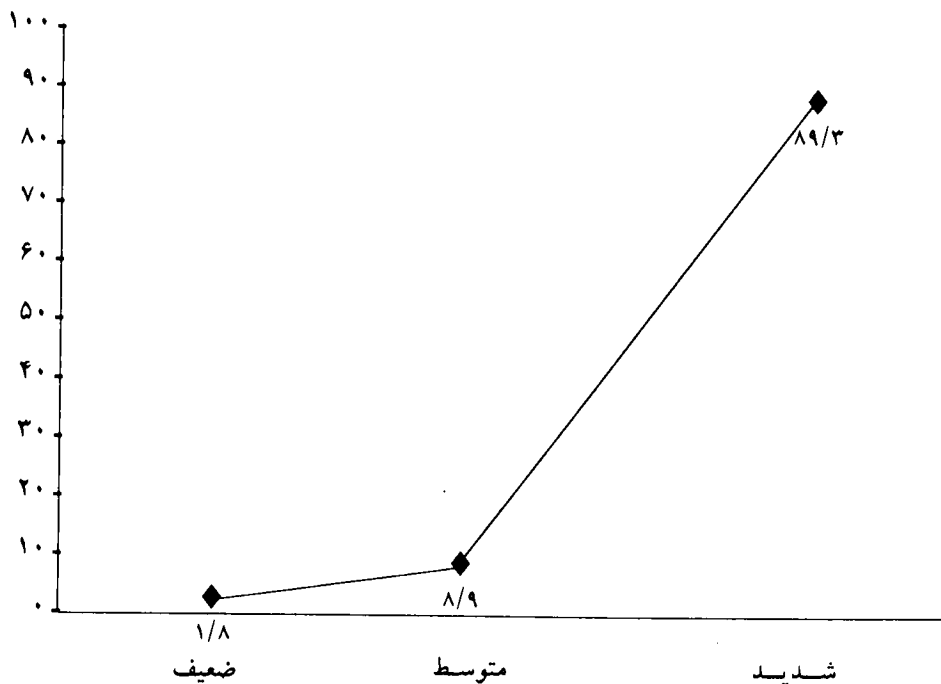


نمودار ۱- دیدگاه‌های مدیران درباره ضرورت خصوصی سازی در ورزش

بررسی نظرهای مجموع مدیران پیرامون خصوصی سازی و تاثیر آن بر کارایی در ورزش، نشان داد که آنها در مجموع با ۸۹/۳ درصد با این دیدگاه که خصوصی سازی میزان کارایی را در بخش‌های مدیریتی ورزش افزایش می‌دهد، نظری کاملاً موافق داشته‌اند.

جدول ۲- نظرهای مدیران پیرامون خصوصی سازی و تاثیر آن بر کارایی در ورزش

تفسیر	تعداد	درصد	درصد تجمعی
ضعیف	۶	۱/۸	۱/۸
متوسط	۲۹	۸/۹	۱۰/۷
شدید	۲۹۱	۸۹/۳	۱۰۰
جمع کل نفرات	۳۲۶	۱۰۰	-
میانگین	۱۹/۹۲	-	-
انحراف معیار	۳/۵۶	-	-



نمودار ۲ - نظرهای مقایسه‌ای مدیران در مورد خصوصی سازی و تاثیر آن بر کارایی در ورزش

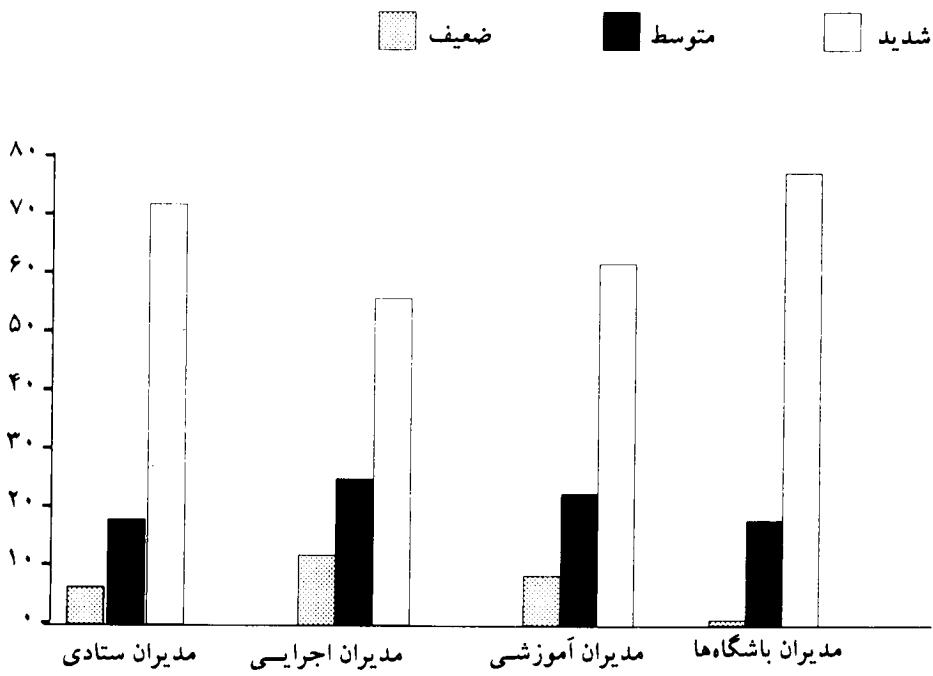
بررسی دیدگاه‌های مدیران بخش‌های مختلف در مورد ضرورت خصوصی سازی در ورزش نشان می‌دهد که تا حدودی اختلافاتی بین طبقات مزبور نسبت به این هدف وجود دارد. به طور مثال اگر نوع فعالیت رییسان فدراسیون‌های ورزشی و مدیران کل ستادی و نیز رییسان و معاونان سازمان تربیت بدنی برحسب ماهیت و وظایفی که عهده‌دارند، ستادی فرض شود و فعالیت مدیران کل استان‌ها و رییسان تربیت بدنی شهرستان‌ها و نیز مدیران باشگاه‌ها بر حسب وظایفی که دارند اجرایی تلقی شوند، ملاحظه می‌شود که مدیران ستادی نسبت به ضرورت خصوصی سازی در ورزش نظر خوشبینانه‌تری در مقایسه با مدیران اجرایی ورزش دارند. البته در نتیجه‌گیری کلی نشان داده شده که عمده مدیران جامعه ورزش نسبت به اعمال سیاست خصوصی سازی (۸۳/۳ درصد) بشدت نظر موافق دارند. آزمون کای دو در بررسی ارتباط بین نظریه خصوصی سازی و نوع فعالیت افراد ($P = 0/225$) نشان داد که همه سطوح مدیریتی به خصوصی سازی ورزش باورداشته و معتقدند خصوصی سازی در ورزش باید اجرا شود.

بررسی نظر مدیران در ۸ گروه مدیریتی نشان داد که فقط ۱/۸ درصد مدیران با تأثیر خصوصی سازی بر کارایی مخالفند و ۸/۹ درصد نظری در این زمینه ندارند. در این میان، رئیسان فدراسیون‌های ورزشی با ۱۰۰ درصد بیشترین توافق را با این مسئله دارند. این آمار همچنین نشان می‌دهد که محل فعالیت مدیران تأثیر چندانی در نگرش آنها نسبت به این موضوع ندارد. نتایج آزمون کای دو تفاوتی در دیدگاه مدیران را نشان نداده است.

برای بررسی دقیق‌تر دیدگاه‌های مدیران ورزش، آنها به ۴ گروه تقسیم بندی شدند که نتایج نشان داد اختلافاتی در نگرش آنها در خصوص سیاست خصوصی سازی وجود داشته است به نحوی که مدیران اجرایی نسبت به سایر مدیران، کمترین توافق را (۵۸/۶ درصد) داشته و مدیران باشگاه‌ها که در عمل، خصوصی سازی را تجربه کرده‌اند، بیشترین توافق را با (۸۰ درصد) سیاست خصوصی سازی در ورزش دارند.

جدول ۳ - نگرش سطوح شغلی مدیران ورزش به ضرورت سیاست خصوصی سازی در ورزش

جمع کل		مدیران باشگاه		مدیران آموزشی		مدیران اجرایی		مدیران ستادی		نوع مدیریت میزان اهمیت
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰/۲	۳۳	۰	۰	۱۰	۶	۱۴	۲۲	۶/۶	۵	ضعیف
۲۴/۸	۸۰	۲۰	۶	۲۶/۷	۱۶	۲۷/۴	۴۳	۱۹/۷	۱۵	متوسط
۶۸/۹	۲۱۰	۸۰	۲۴	۶۳/۳	۳۸	۵۸/۶	۹۲	۷۳/۷	۵۶	شدید
۱۰۰	۳۲۶	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۷۶	جمع



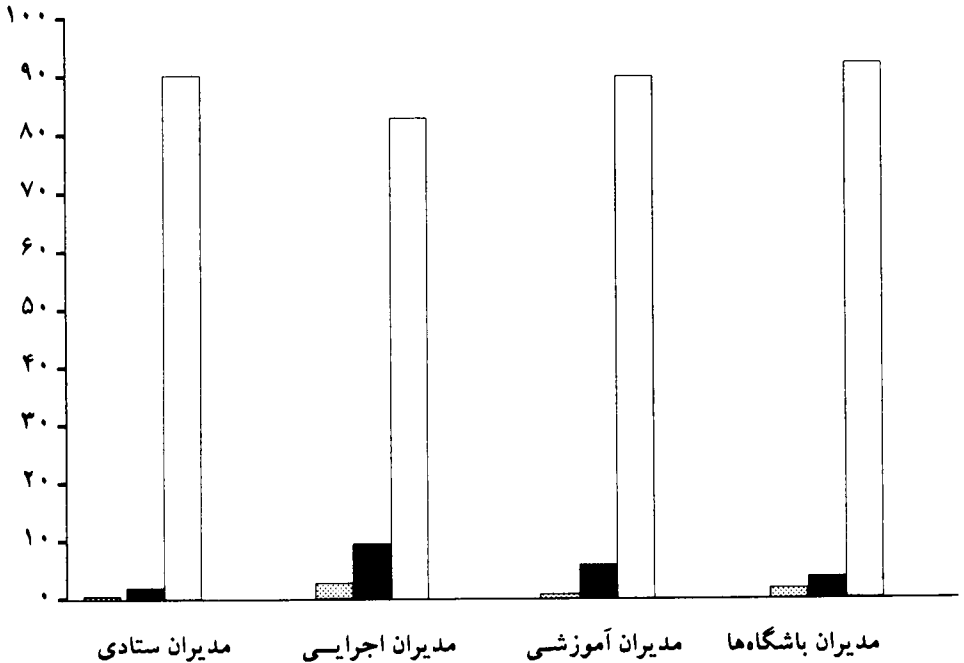
نمودار ۳ - مقایسه دیدگاه‌های سطوح مدیریتی بخش ورزش به ضرورت سیاست خصوصی سازی در ورزش

بررسی دیدگاه‌های مدیران در ۴ گروه مدیریتی باشگاه‌ها، مدیران آموزشی، مدیران اجرایی و مدیران ستادی در مورد اثر خصوصی سازی بر کارایی در ورزش نیز نشان می‌دهد که هرچند آنها در این نگاه با هم اختلافاتی دارند اما در مجموع با هم موافق‌اند. در این میان مدیران ستادی و باشگاه‌ها بیشترین و مدیران اجرایی باشگاه‌ها کمترین توافق را با این مسئله دارند و فقط ۱۱/۵ درصد مدیران با این هدف مخالف یا نسبت به آن نظری ندارند و آزمون کای دو نیز مؤید عدم اختلاف معنی داری بین نگرش مدیران در این زمینه است.

جدول ۴ - نگرش سطوح مدیریتی بخش ورزش به افزایش کارایی در خصوصی سازی ورزش

تفسیر	مدیران ستادی		مدیران اجرایی		مدیران آموزشی		مدیران باشگاه		جمع کل
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
ضعیف	۱/۳	۱	۳/۲	۵	۰	۰	۰	۰	۶
متوسط	۵/۳	۴	۱۲/۱	۱۹	۶/۷	۴	۶/۱	۲	۲۹
شدید	۹۳/۴	۷۱	۸۴/۷	۱۳۳	۹۳/۳	۵۶	۹۳/۹	۳۱	۲۹۱
جمع	۱۰۰	۷۶	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۳۳	۳۲۶

شدید
 متوسط
 ضعیف



نمودار ۴ - مقایسه نگرش سطوح مدیریتی بخش ورزش به افزایش کارایی در خصوصی سازی

بحث و نتیجه گیری

طی دو دهه اخیر مکانیزم‌های خصوصی سازی در بسیاری از کشورها طراحی و به مرحله

اجرا درآمده است و از آن به عنوان راه حلی در جهت منطقی کردن ساختار اقتصادی جامعه، کاهش بار مالی و افزایش کارایی بهره‌گیری شده است. مهم‌ترین اهداف خصوصی سازی، تمرکززدایی در اقتصاد و جلب مشارکت بیشتر مردم در فعالیت‌های تولیدی، خدماتی و دستیابی به سطح بالاتر و ارتقای رشد اقتصادی است (۱۰).

صغیر (۶) خصوصی سازی را فرایندی می‌داند که ضمن آن دولت در هر سطحی، امکان انتقال وظایف و تاسیسات را از بخش عمومی به بخش خصوصی بررسی کرده و در صورت اقتضا نسبت به چنین انتقالی اقدام کند. حبیبی (۲) آن را تغییر فضای حاکم بر فعالیت بنگاه‌ها به نحوی که انگیزه‌ها و مکانیزم‌های بخش خصوصی ملاک تصمیم‌گیری قرار گیرد و رحیمی و بروجردی (۳) آن را اشاعه فرهنگی به کلیه سطوح جامعه می‌داند که دستگاه قانون‌گذاری، قوه مجریه و تمام آحاد کشور باور کنند که کار مردم را باید به مردم واگذاشت. همچنین کائو و همکارش، خصوصی سازی را انتقال وظایف و مسئولیت‌ها به شکل کلی یا بخشی از دولت به بخش خصوصی تعریف کرده است (۱۴).

توسعه ورزش و دستاوردهای اقتصادی آن در عرصه‌های مختلف، موجب پیدایش صنعت ورزش شده است. بنگاه‌ها و مؤسسات تجاری، صنعتی و گردشگری در بازاریابی کالا و خدمات خود ارتباطات وسیعی را با عرصه‌ها و رویدادهای ورزشی برقرار کرده‌اند تا حدی که نقش ورزش در توسعه اقتصادی جوامع و ملل در قرن بیست و یکم در مقایسه با بازرگانی‌های سایر صنایع در سطح جهانی به عنصری مهم در بازار اقتصادی جهان تبدیل شده است (۴). صنعت ورزش از ۳۰ سال پیش رشد بسیاری داشته است و بازرگانی‌های بزرگی مانند شرکت‌های تهیه پوشاک، تولید کنندگان وسایل، شبکه‌های رسانه‌ای، میادین و ورزشگاه‌ها، بازیکنان تیم‌های ورزشی و مسابقات حرفه‌ای، یکی از بزرگ‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در سطح جهان را به خود اختصاص داده است. به گونه‌ای که حجم پول مبادله شده در این حیطه، با تمام بخش‌های دیگر اقتصادی اکنون قابل رقابت است. همچنین حمایت شرکت‌ها از رویدادهای ورزشی و ساخت جایگاه‌های ویژه توسط شرکت‌ها، عقد قرارداد با بازیکنان مشهور در زمینه‌های مختلف ورزشی و تبلیغاتی، فروش روزافزون کالاهای ورزشی و کارت‌های بازیکنان و عقد قراردادهای انحصاری بخش تلویزیونی رویدادهای ورزشی هر روز

عرصه‌های جدیدی را برای فعالیت‌های اقتصادی می‌گشاید.

در تقسیم‌بندی صنعت ورزش، سه بخش عملکردی، تولیدات و توسعه و گسترش ورزش تجلی دارد که در بخش عملکردی، سازمان ورزش‌های قهرمانی (حرفه‌ای و آماتور)، تعلیم و تربیتی، همگانی و آمادگی جسمانی و تشکل‌های تخصصی مستقل و غیرانتفاعی حضور دارند و در بخش تولیدات، تجهیزات ورزشی و محصولات مورد نیاز اجرای ورزش‌ها، موقعیت داشته و در نهایت در بخش توسعه و گسترش ورزش، منابع مالی، رسانه‌ای و تجاری ورزش فعالیت می‌کنند.

رقابت در عرصه‌های صنعت ورزش، مستلزم حضور افراد مجرب، کارآمد و با دانش است که فرصت‌ها را غنیمت شمرده و از امکانات و منابع در جهت توسعه و سازندگی به شایستگی بهره‌برداری کنند. با این شرایط می‌بینیم که پوشش تمام این فعالیت‌ها به گونه‌ای مطلوب و استفاده از فرصت‌های جهانی در این زمینه از عهده سازمان دولتی به تنهایی خارج است و استفاده بهینه از تمام فرصت‌های جهانی مستلزم مشارکت مردم و بخش خصوصی است تا بتوانیم با جلب حضور افراد مجرب و کارآمد از فرصت‌ها و شایستگی‌ها بهره بگیریم.

تحقیق حاضر در زمینه گشودن درهایی برای توسعه مناسب‌تر ورزش، خصوصی سازی و مشارکت بخش‌های غیردولتی را برای ایجاد ظرفیت‌های جدید و استفاده بهینه از امکانات، بسیار مفید دانسته است.

هدف تحقیق، پاسخ به این پرسش بود که آیا خصوصی سازی موجبات کارایی بهتر را در بخش ورزش فراهم می‌کند یا خیر؟ از آنجا که کارایی از اصول و اهداف خصوصی سازی است، بررسی ادبیات تحقیق در این مورد نشان می‌دهد که سیدحسین میری (۱۳۷۳)، محمد مهدی سالاران (۱۳۷۲)، عبدا... اصغرزاده (۱۳۷۴)، گوستاوسن، تامز و همکارانش (۱۹۹۶)، میخائیل وارن (۱۹۹۸)، خصوصی سازی را زمینه‌ساز کارایی بیشتر می‌دانند. در حالیکه امیربابک رجایی، حمید شاهبندرزاده (۱۳۷۲) و احمد عبدا... پور (۱۳۷۳) خصوصی سازی را مؤثر در این فرایند نیافتند. آنها، علل این نتایج را خلا برنامه‌ریزی و پیش‌بینی برنامه‌های اجرایی لازم، چندگانگی فرماندهی و مدیریت، بی‌توجهی به عوامل اقتصادی فرهنگی و اجتماعی در مدیریت، ناهماهنگی در اجرای برنامه‌ها و در مجموع پیروی نکردن از اصول خصوصی سازی

ذکر کردند. در این میان ایجاد بسترهای لازم فکری و فرهنگی در جامعه، ایجاد نظام اطلاعاتی مؤثر و کارآمد، نظام نظارتی و ارشادی مناسب و بسترهای قانونی و قضایی مناسب نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

سطوح مدیران در مجموع اعمال سیاست خصوصی سازی را در افزایش کارایی، مثبت ارزیابی کرده‌اند و اختلاف معنی‌داری بین آنها در این دیدگاه وجود نداشته است ($P=0/369$). این اختلاف میان مدیران ستادی، آموزشی، اجرایی و باشگاهی نیز مشاهده نشد ($P=0/265$). محمدرضا احمدی (۱۳۷۹) در نتایج تحقیق خود اظهار داشته باتوجه به تجربه اقتصادی کشورهای غربی، افزایش کارایی از طریق تصمیم‌گیری و توزیع سرمایه‌گذاری غیرمتمرکز امکان‌پذیر است. وی معتقد است شرکت‌های خصوصی در پاسخ به نیازهای بازار می‌توانند سرعت ساختار سازمانی، تشکیلاتی، تولیدی و سرمایه‌ای خود را تغییر دهند.

سیدحسین میری (۱۳۷۳) با بررسی اثر خصوصی سازی شرکت‌هایی که بیش از ۵۱ درصد از سهامشان به بخش خصوصی واگذار شده بود، نتیجه گرفت خصوصی سازی موجب افزایش کارایی شرکت‌های تولیدی خصوصی سازی در بورس اوراق بهادار تهران شده است.

محمد مهدی سالاران (۱۳۷۲) در تحقیق خود پیرامون تاثیر خصوصی سازی بر کارایی شرکت مخابرات ایران، دیدگاه موافق مدیران میانی شرکت مخابرات را مبنی بر عملکرد بهتر بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی ابراز داشته که در صورت واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی راندمان و عملکرد واحدها افزایش خواهد یافت.

احمد عبدا... پور (۱۳۷۳)، و حمید شاهبندرزاده (۱۳۷۳) در تحقیق‌های خود برخلاف نتایج تحقیق حاضر خصوصی سازی را موجب ایجاد ناهماهنگی در نظام پرداخت‌ها و تعدد فرماندهی که خود در مدیریت و اداره یک سازمان مخرب است، معرفی کرده‌اند و دلیل اصلی آن را آماده نبودن بستر فکری، فرهنگی و قانونی مناسب دانسته‌اند.

عبدا... اصغرزاده (۱۳۷۴) براساس تحقیق خود معتقد است خصوصی سازی کارایی را افزایش می‌دهد و بر رشد اقتصادی تاثیر مستقیم دارد.

گوستاوسن و همکاران^۱ از دانشگاه ایالت باولین گرین (۳۴) و مک لین و دانیل^۲ وی از دانشگاه ایندیانا (۳۷) در تحقیق خود با تهیه پرسشنامه‌ای از افراد براساس نوع فعالیت، دانش و تجربه‌شان در مورد زمین گلف پیش، حین و پس از خصوصی سازی، اطلاعاتی را گرد آوردند. در تمامی شهرها، افراد هدف‌های مشترکی را مانند بهبود آرایه خدمات و حفظ ارتقای میزان تولید سرمایه از طریق اعمال سیاست خصوصی سازی اعلام کردند.

براین اساس به سازمان تربیت بدنی پیشنهاد می‌شود تا با بهره‌گیری از الگوهای کشورهای پیشرفته، زمینه اجرای سیاست خصوصی سازی در ورزش را با استفاده از روش‌های متداول و مورد اشاره در ادبیات این تحقیق هرچه سریع‌تر مهیا سازد. عمده راهکارهای خصوصی سازی شامل موارد زیر است:

۱. اعاده مالکیت و دوباره خصوصی سازی،
 ۲. فروش مستقیم و آرایه سهام،
 ۳. خرید سهام توسط مدیریت یا کارکنان
 ۴. توزیع مجانی یا ارزان قیمت سهام،
 ۵. تجاری کردن یا انحصارزادگی بخش‌های دولتی،
 ۶. بستن قرارداد با شرکت‌ها و تشکل‌های خصوصی ورزشی،
 ۷. قرارداد خدماتی،
 ۸. پیمان مدیریت،
 ۹. قرارداد اجاره،
 ۱۰. همکاری بخش دولتی یا خصوصی،
 ۱۱. بازرگانی مشترک بخش‌های دولتی و خصوصی،
 ۱۲. توافقات ساخت، عملیات و انتقال (BOT)، و
 ۱۳. انتقال خدمات به سازمان‌های خصوصی یا غیردولتی.
- هریک از شیوه‌های یاد شده می‌تواند در سازمان تربیت بدنی و در دیگر نهادهای دولتی

ورزشی به اجرا درآید تا بخش زیادی از اماکن در دست ساخت که طی دو برنامه پنج ساله دولت مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است، مراحل ساخت آن به اتمام برسد و مورد استفاده مردم و علاقه‌مندان به ورزش قرار گیرد.

منابع و مآخذ

- ۱- اصغرزاده، عبد... "خصوصی سازی و تأثیر آن بر مصرف انرژی"، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۲- حبیبی، علی. "خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه، با نگاهی به وضع ایران"، مازندران: دانشگاه مازندران، ۱۳۷۱.
- ۳- رحیمی بروجردی، علیرضا. "سیاست‌های اقتصادی کلان و اصلاحات ساختاری، تهران"، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳، ص ۱۳.
- ۴- جانت لی پارکس، "مدیریت ورزشی معاصر" (جلد اول)، سیدمحمدحسین رضوی و محسن بلوریان، تهران، سازمان تربیت بدنی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳.
- ۵- شاهبندرزاده، حمید. "بررسی اثرات خصوصی سازی جزئی در سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران"، (اداره کل بوشهر)، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲.
- ۶- صغیر، جمال. "توسعه بخش خصوصی و خصوصی سازی، سمینار بررسی خصوصی سازی، دانشکده امور اقتصادی و موسسه اقتصادی"، ص ۱۸-۲۳، ۱۳۷۲.
- ۷- "طرح جامع ورزش کشور، مطالعات تفصیلی توسعه منابع مالی"، تهران، سازمان تربیت بدنی، ۱۳۸۲.
- ۸- "طرح جامع ورزش کشور، مطالعات تفصیلی ساختار کلی مولفه‌های پشتیبانی"، تهران، سازمان تربیت بدنی، ۱۳۸۲.
- ۹- عبد... پور، احمد. "بررسی آثار خصوصی سازی شرکت‌های سهامی نکاچوب بر کارایی آن"، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
- ۱۰- نصیرزاده، غلام. "خصوصی سازی شرکت‌های دولتی"، موسسه تحقیقاتی و فرهنگی کمال، تهران، ۱۳۶۹، ص ۶۳.

۱۱- میری، سیدحسین. "تأثیر خصوصی سازی بر کارایی شرکت های تولیدی خصوصی شده در بورس اوراق بهادار تهران" دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

12- Berg, Elliot, "The role of divestiture in economic growth in privatization and developed steve H. Hanke, 23-24. Sanfransisco: institute for contemporary studies press.1987.

13- Davis, chuck, privatization: common themes, similar outcomes (2000) Available at: edu.www.umn

14- Gao/ Ggd/ Terms related to privatization Activities and processes / www. privatization. org/ collection / publication / htg, July 1997.

15- Gibbon, Henry, Guide bor Diresting Government Owned Enterprises, 2001. Available at: http://www.privatization. org/ collection / publication / htg.

16- Gustafson, Thomes F.Mclean Daniel D. An empirical analysis of the privatization of public golf courses in three mojour united states cities, bowling Green univesity, 1996.

17- Hanke, steve H. Privatization and development an introduction by steve H. Hanke. San Fransisco: institute for contemporary studies press,1987.

18- Mc Pherson, M. Peter, the promise of privatization: in Privatization and development, ed, steve H. Hanke, 18. San Fransisco, institute for contemporary studies press, 1987.

19- Mclean, Dainiel D., Gustafson, Thomas F. Privatiztion and its effect on public golf employeas.Lndiana university, 2002.

20- Ott Attiat F and Keith tlarty, Privatization and economic efficiency, a comparatine analysis of developing countries, Edward Elgar, 1991.

21- Roberts, W.Jr., Poole, Privattization for economic development in the privatization process: a worldwide perspective, eds. Terry L. Anderson and

peter J.Hill, 1-18. Lanham: Rowman and Littlefield publishers.1996.

22- Warren, Michael , Privatization, Factor Productiveness and Economic Growth on less Developed countries.1998.